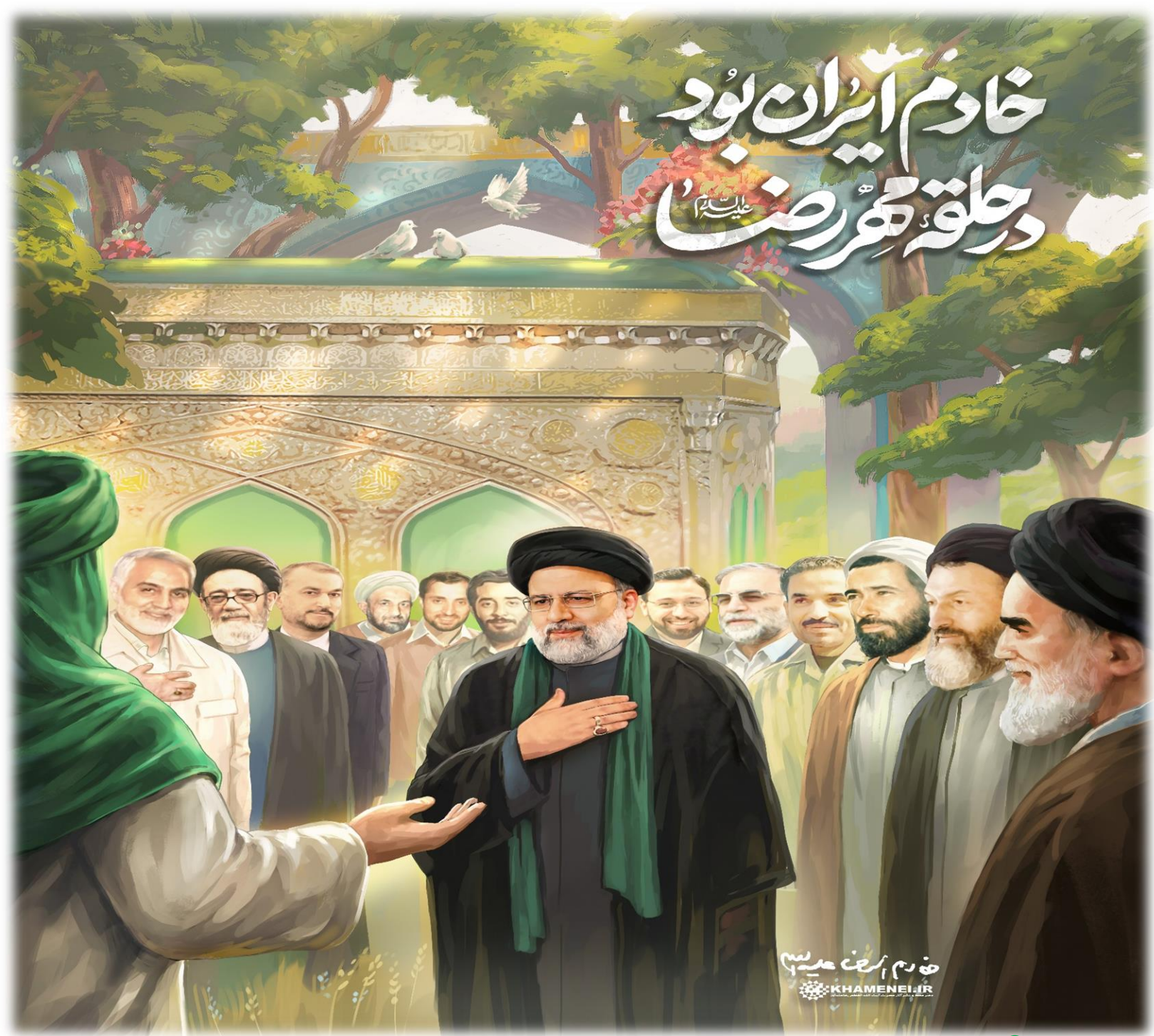


خادم ایران بود در خلق و عرض علیت



موضوع: تحلیل عرفانی از سقوط ناگهانی

نویسنده: احمدصابری تولایی



بسم اللّٰه الرحمن الرحيم

نقشه بحث



Presented with xmind

مقدمه:

سه نوع نگاه به پدیده‌ها و اتفاقاتی که در عالم می‌افتد وجود دارد؛ در واقع سه زاویه دید برای تحلیل پدیده‌ها و اتفاقات پیرامونی ما وجود دارد.

نگاه اول

نگاه منفی و شیطانی است.

این نگاه آنقدر منفی می‌بیند که جز خسارت‌ها هیچ چیز را نمی‌بیند. سوره مبارکه آل عمران از آیه ۱۷۵ تا آیه ۱۸۰ این نگاه را تبیین می‌کند که خداوند می‌فرماید:

شیطان نگاه شما را به همه چیز منفی می‌کند و باعث رکود و توقف و ناامید از حرکت می‌شوید.

«إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱

(در واقع، این شیطان است که دوستانش را می‌ترساند، پس اگر مؤمنید از آنان نترسید و از من بترسید).

یا در سوره بقره می‌فرماید

«الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۲

(شیطان، شما را (به هنگام انفاق)، وعده فقر و تهیدستی می‌دهد، و به فحشا (و زشتیها) امر می‌کند، ولی خداوند وعده آمرزش و فزونی به شما می‌دهد، و خداوند، قدرتش وسیع، و (به هر چیز) داناست. (به همین دلیل، به وعدههای خود، وفا می‌کند).

شیطان عینکی به شما می‌دهد که جز خسارت‌ها هیچ چیزی را نمی‌بیند. وقتی انسان‌ها هزینه‌ها و خسارت‌ها را می‌بینند، ناامید از حرکت می‌شوند. به برخی جوان‌ها می‌گوییم چرا ازدواج نمی‌کنید؟ پاسخ می‌دهند که با این وضع گرانی و اقتصاد اصلا امکان ندارد، با این وضع جامعه دختر خوب پیدا نمی‌شود، هیچ کسی نیست که هوای ما را داشته باشد، رهن خانه بسیار گران است و... این نگاه منفی در او تقویت می‌شود و در نهایت از ازدواج منصرف می‌شود.

می‌پرسیم چرا دست در جیب نمی‌کنی و چهار تومان کمک نمی‌کنی به نیازمندان؟

^۱ آل عمران ، ۱۷۵

^۲ بقره ، ۲۶۸

می‌گوید: گذاشته‌ام برای روز مبادا؛ اگر روزی بچه‌ام گرفتار شد، اگر خودم مریض شدم، اگر مشکلی پیش آمد، اگر سیل زد و خانام را ویران کرد و... از اصل کار ناامید می‌شود. یاس و ناامیدی مال آدم‌های منفی‌بینی است که «الشَّيْطَانُ يَعِدُّكُمْ الْفُقْرَ». نگاه منفی ما باعث می‌شود که از اصل حرکت، ناامید شویم و مایوس می‌شویم.

در همین اتفاقات اخیر، نمونه‌های فراوانی داریم که وقتی اتفاقی در کشور می‌افتد، شروع به پمپاژ یاس و ناامیدی می‌کنند، حتی جاهایی که مزیت نسبی ماهست را تبدیل به تهدید می‌کنند. فرصت‌ها و ظرفیت‌ها تبدیل به تهدید می‌شوند. در همین آیات، پنج مصداق در آیات سوره آل عمران عنوان می‌شود.

تغییر گرایشها

«وَلَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَصُرُوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِزًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۳

(و کسانی که در کفر می‌کوشند تو را اندوهگین نسازند که آنان هرگز به خدا هیچ زبانی نمی‌رسانند خداوند می‌خواهد در آخرت برای آنان بهره‌ای قرار ندهد و برای ایشان عذابی بزرگ است.)

فرصت به ظالمان

«وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»^۴

(و البته نباید کسانی که کافر شده‌اند تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می‌دهیم برای آنان نیکوست ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند و [آنگاه] عذابی خفت‌آور خواهند داشت)

امتحان مومنین

«مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ»^۵

(خدا بر آن نیست که مؤمنان را به این [حالی] که شما بر آن هستید واگذارد تا آنکه پلید را از پاک جدا کند و خدا بر آن نیست که شما را از غیب آگاه گرداند ولی خدا از میان فرستادگانش هر که را بخواهد برمی‌گزیند پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و اگر بگروید و پرهیزگاری کنید برای شما پاداشی بزرگ خواهد بود)

^۳ آل عمران ، 176

^۴ آل عمران، 178

^۵ همان، 179

بخل اقتصادی

«وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»

(و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده بخل می ورزند هرگز تصور نکنند که آن [بخل] برای آنان خوب است بلکه برایشان بد است به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده اند روز قیامت طوق گردنشان می شود میراث آسمانها و زمین از آن خداست و خدا به آنچه می کنید آگاه است)

نگاه دوم

نگاه مادی غربی است.

این نگاه توجه به منافع مادی دارد. این نگاه به ما می گوید اگر این اقدام برای سود مادی دارد، انجامش بده؛ اگر ندارد، رهاش کن. با همین نگاه بود که در دوران کرونا، در برخی کشورهای غربی برای افراد بالای شصت سال هیچ هزینه و دلسوزی ای نمی کردند. آنان را پشت درب بیمارستانها می گذاشتند تا نفسشان قطع شود و بمیرند، سپس آنها را در پلاستیک می کردند و دفن می کردند.

می گفتند این فرد به قول معروف «آفتابه خرج لحیم» است. حالا مثلاً ما این پیرمرد و پیرزن را الان خرجش کنیم یا با فلان مبلغ دلار بستری اش کنیم، با این هزینه های درمانی، آیا سالم میشود؟ آیا می تواند بعداً به ما خدمت بکند؟ یا قرار است سودی برای ما داشته باشد؟ خیر. رهاش کن، اهمیتی ندارد.

پیرمرد و پیرزنها را پشت در بیمارستان نگه می داشتند تا بمیرند. چون می گفتند سود اقتصادی برای ما ندارد.

"جان لاک" یکی از متفکرینی است که قانون اساسی آمریکا بر اساس تفکرات این طور آدمها نوشته شده است، می گوید: آدمها وقتی به دنیا می آیند باید بتوانند در دهه اول یا دو دهه اول زندگی شان، بار زندگی را به دوش بکشند، وگرنه باید آنها را از لای چرخ گوشت عبور بدهیم. حلبی آبادهای حاشیه شهر مثل زالو می افتند به جان اقتصاد مملکت و فقط پول می خورند، هیچ سودی هم ندارند. باید تمام امکانات در اختیار پولدارها باشد تا بتوانیم از آنها سود فراوان بگیریم تا چرخ مملکت بچرخد.

اینکه شما بخواهید برای پایین شهر هزینه کنید و به نیازمندان برسید، اهمیتی ندارد. آنها هیچ سودآوری برای مملکت ندارند! اگر کاری نفع مادی دارد، انجامش دهید؛ اما اگر ندارد، رهاش کنید.

نگاه سوم

نگاه سومی هم به پدیده‌ها و اتفاقات در دنیا وجود دارد و آن نگاه الهی و معنوی است. روایت امام عسکری (علیه السلام) فوق‌العاده کلیدی و کاربردی است. استراتژی ایست که در تفکر ما باید وجود داشته باشد که حضرت می‌فرماید: «ما مِنْ بَلِيَّةٍ إِلَّا وَ لِلَّهِ فِيهَا نِعْمَةٌ تُحِيطُ بِهَا»⁷

(هیچ گرفتاری و بلایی نیست مگر آن که نعمتی از خداوند آن را در میان گرفته است)

اگر نگاه شیطانی خسارت‌محور را رها کنیم. نگاه مادی پول‌محور را رها کنیم. نگاه الهی و معنوی را بیاوریم وسط، امیدوار می‌شویم، حرکت می‌کنیم در نتیجه پویایی به جامعه می‌آید.

چهار مصداق از نگاه الهی و معنوی

مصداق اول (سیل)

ما همگی خسارت‌های سیل را دیده‌ایم. کدام یک از ما برکات سیل را دیده‌ایم؟ برکات زیادی نسبت به سیل‌ها وجود دارد همان سیل‌های خانمان‌برانداز که به خانه مردم رسیده است، عده‌ای را از بین برده است، بسیاری از زمین‌های کشاورزی را ویران کرده است، کلی زحمات کشاورزان را از بین برده است. همه این‌ها سر جای خود، اما همین سیل که بلا است، امام فرمود خوب دقت کن به برکاتش نگاه کن، توجه کن:

چند نمونه از این برکات سیل را به اختصار نام می‌بریم

- غنی‌سازی سفره‌های زیرزمینی و نجات از خشکسالی
- رونق اقتصادی با رونق کشاورزی
- افزایش سلامتی و رفع مریضی‌ها
- ایجاد امید و کاهش مهاجرت
- کاهش بزه‌های اجتماعی
- ابقاء حیات گونه‌های جانوری
- ابقاء جنگل‌ها و گونه‌های گیاهی
- کاهش ریزگردها در شهرهای کویری و خشک
- شناسایی نقاط ضعف و قوت در سیستم مدیریت بحران
- تقویت فناوری انسجام اجتماعی (همگرایی و همدلی مردم و مسئولین، گروه‌های جهادی و...)

بحار الأنوار : 34/374/78⁷

با این سیل های اخیر در کشورمان ایران، ریزگردها در سیستان و بلوچستان کاهش پیدا کرد. خراسان جنوبی برای اولین بار ترسالی فوق العاده دارد.

امام عسکری (علیه السلام) می فرمایند اگر این گونه نگاه کنی به پدیده ها، دست به آسمان بلند می کنی و می گویی خدایا شکرت!.

مصدق دوم (انقلاب اباعبدالله الحسین (علیه السلام))

حسین بن علی تکه تکه شد، علی اصغرش گلویش دریده شد، قمر بنی هاشم چشمش تیر خورد، دستش بریده شد، علی اکبرش اربا اربا شد، خانواده اش به اسارت رفتند. درست است، بله، این ها خسارت هاست. اما برکات انقلاب اباعبدالله کجاست؟

دشمنت کشت ولی نور تو خاموش نشد آنچه البته که فانی نشود نور خداست

اگر حسین بن علی نبود، امروز ما سر بر آستان خدا نمی ساییدیم و یا باید گاو می پرستیدیم یا شیطان می پرستیدیم یا چیز دیگری! انقلاب حسین علیه السلام دین را زنده کرد. اگر انقلاب اباعبدالله نبود، این همه مجالس امام حسین برای ترویج معارف دین وجود نداشت.

آقای فلسفی می گوید رستم استان سیستان و بلوچستان زاهدان، وقتی رستم دیدم جوان ها مشروب می خورند و قمار می کنند. رستم حوزه علمیه اهل سنت داد و بیداد کردم. گفتم آقای مولوی، آقای مفتی ها، شما مسلمان نیستید؟ قرآن نمی خوانید؟ جوان هایتان آلوده شده اند. یکی از آنها برگشت و گفت: آقای فلسفی، شما یک امام حسین دارید، به بهانه روضه اباعبدالله مردم را می کشانید، احکام می گوئید، اخلاق می گوئید، عقاید می گوئید. ما با چه بهانه ای جوان هایمان را بیاوریم؟

انقلاب امام حسین علیه السلام ظرفیت را در اختیار ما قرار داد، انقلاب امام حسین بزرگترین فناوری اجتماعی یعنی اربعین را در دنیایی که تمدن غرب از همدیگر فرار می کنند، ایجاد کرد و ما را کنار هم قرار داد. انقلاب اباعبدالله برکات فراوانی داشت. چرا فقط روضه اباعبدالله را می بینیم؟

مصدق سوم (انقلاب اسلامی)

حضرت امام وقتی وارد ایران شد قرار بود در فیضیه برای طلبه ها و روحانیون سخنرانی کند ولی در این مسیر که داشت می آمد انقدر شلوغ بود و فشار خورد که اصلاً حال حرف زدن نداشت. گفت: نمی توانم حرف بزنم. گفتند: آقا همه ی جمعیت آمده برای شما. فرمود: نمی توانم، می بینید که اصلاً نفسم بالا نمی آید. فرمودند آقای فلسفی سخنرانی کند.

شیخ محمدتقی فلسفی، زبان گویای اسلام، که مزار او شهر ری حرم حضرت عبدالعظیم حسنی است. ایشان بلند شد عرض کرد: ای امام، این انقلاب مثل زلزله برای یک زندانی می ماند. زلزله وقتی می آید خرابی به بار می آورد! یکی دستش می شکند، یکی پایش می شکند، یکی سرش خونی می شود، اما آزاد می شوند!

آقا، ما خسارت زیاد دیدیم! ما عده ای از عزیزانمان را از دست دادیم. چند هزار شهید برای این انقلاب دادیم. نوزده هزار و چهارصد گلزار شهدا در این مملکت داریم. جوانانمان را دادیم. تمام این ها خسارت ها و هزینه هایی بود که دادیم، اما چه به دست آوردیم؟

مهم تر از همه **خدا** را به دست آوردیم. در دوران پهلوی، مساجد پایگاه آتشکده های زرتشتی داشت احیا می شد. مسجد قرار بود تبدیل به آتشکده بشود، ولی امروز شما می بینید که در دنیا صدای اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله طنین انداز شده است. همچنین این انقلاب اسلامی الگویی برای **سیاست ورزی معنوی مبتنی بر معنویت** بود. امسال دیدیم در کشورهای غربی به زبان فارسی مرگ بر اسرائیل می گفتند! شاید اگر پارسال می گفتیم یک زمانی در کانادا، انگلیس، آمریکا و استرالیا به زبان فارسی مرگ بر اسرائیل خواهند گفت، همه در جواب به ما می گفتند: احتمالا هوا شما را برداشته و توهم زده اید! این چه حرفی است که می زنید؟ مگر می شود؟!

ولی امسال این را به عینه دیدیم. انقلاب اسلامی گفت: ما می توانیم قیام کنیم بدون شورش مسلحانه. مسعود رجوی و منافقین گفتند: ما اقدام مسلحانه می کنیم و تفنگ برمی داریم. امام فرمود: خیر، بیایید تو خیابان، اسلحه دست نگیرید. نه با شورش های مسلحانه خیابانی، نه با نبردهای پارلمان تاربیستی یعنی اتکای به شرق و غرب. نه با تکیه به شوروی و کشورهای غربی برای کودتا. مردم با حس معنوی شان قیام کردند و حکومت دو هزار و پانصد سال شاهنشاهی را سرنگون کردند. این ها را دست کم نگیریم.

آیت الله هادوی تهرانی می گوید: رفته بودم یکی از این کشورها. جلسه ای بود به نام گفتمان انتظار در ادیان. در زمان استراحت، از همه ادیان و مذاهب و مکاتب آمده بودند. خاخام های یهودی آمدند جلو و گفتند: آقا، بین دو جلسه فاصله هست. می شود از شما سوال بپرسیم؟
گفتم: بپرسید.

گفتند: آقا، این مقوله ولایت فقیه چیست؟

من در تمام فواصل استراحت در مورد ولایت فقیه حرف می زدم. آن ها عاشق این مقوله شده بودند که بله امکانش هست با مقوله ولایت فقیه، ساختار سیاسی مستحکم درست کرد.

مصداق چهارم (شهادت آیت الله رئیسی و همراهانشان)

این واقعه خسارت است برای ما. حوزه علمیه چقدر باید تلاش کند که مثل آقای رئیسی تربیت کند؟ یا مانند آقای آل هاشم تربیت کند؟ سیستم آموزشی ما در دانشگاه چقدر باید تلاش کند که در عرصه دیپلماسی امیرعبداللهیان تربیت کند؟ سخت است. این واقعه خسارت است، واقعه گریه دارد، واقعه سوز دارد، واقعه اشک دارد، واقعه عزاداری دارد. اما از طرفی با نگاه امام عسکری علیه السلام وقتی به این پدیده نگاه کنیم میبینیم چه قدر برکات خواهد داشت ان شاءالله.

اولین برکت (افزایش بصیرت نسبت به رئیس جمهور)

او متهم بود به جایگزینی برای رهبری، متهم بود به دنیا دوستی، متهم بود به بد عملکردی. حالا مشخص شد که او به هیچ چیز جز عاقبت بخیری فکر نمی کرد. آقای رئیسی و آقای آل هاشم آرزویشان شهادت بود. اولین برکت این حادثه افزایش فهم و بصیرت نسبت به شخصیت متهم ردیف اول جامعه بود. عده‌ای از دشمنان و عده‌ای از نادان‌ها او را متهم می کردند که برای رهبری خیز برداشته است. شهادت آقای رئیسی تمام این‌ها را شست و برد. همه فهمیدند که در اشتباه مطلق و محض تحلیل می کردند. گمانه‌زنی‌ها تمام شد. بعد فهمیدند که او به قدرت فکر نمی کرد، بلکه به خدمت فکر می کرد و در این مسیر شهادت نصیبش شد. اولین برکتش این بود که تمام ذهنیت‌های منفی شسته شد و کنار زده شد نسبت به این شخص.

دومین برکت (به رخ کشیدن پایداری ساختار سیاسی کشور)

تمام تحلیلگران دنیا می گویند شهادت رئیس جمهور در این مملکت خللی در امور مملکت ایران ایجاد نمی کند، چون ساختار سیاسی اینقدر مستحکم است که بلافاصله از همین الان باید بنشینند، معاون اول رئیس قوه قضاییه و رئیس مجلس تدبیر کنند و در پنجاه روز آینده انتخابات برگزار کنند و رئیس جمهور بگذارند. تجربه‌اش را هم داریم. این قدر که ساختار، قرص و محکم است که از دست دادن یک مهره نباید دلمان را خالی کند که ای داد و بیداد بدبخت شدیم! حتی غربی‌ها هم می گویند ساختار با رفتن یک نفر، دو نفر، حتی اگر آن نفر رهبری این مملکت باشد، خللی ایجاد نمی شود. در دنیا، در هر کشوری اگر سه چهار نفر در این سطح از دنیا بروند، ممکن است آن کشور بهم بریزد! اما ایران این گونه نیست.

سومین برکت (انعکاس دیانت سیاسی مردم)

در هیچ کجای دنیا نمی بینید برای یک مسئول سیاسی مردم قیام کنند و قیامت برپا کنند! تمام مردم دنیا و مردم کشور خودمان خواهند دید که این حرفهایی که در فضای مجازی و غیر واقعی زده میشود اعم از اینکه: «دیگر مردم دنبال این جور مسائل نیستند و از مسئولین بدشان می آید و دیگر اعتماد ندارند...» اینها هیچ حقیقت ندارد. مردم ما اگر مسئول خوب ببینند، تا پای جان برایش هزینه می کنند.

چهارمین برکت (افزایش انسجام اجتماعی)

هر کسی با هر سلیقه‌ای با هر طیفی چه موافق و چه مخالف آمده است! اظهار و ابراز تاسف کرده است. این انسجام خیلی مهم است. مگر ما چند مسئله این‌گونه داریم که همه پای آن بایستند؟ گاهی اوقات بعضی از فرامین رهبری مورد نقد قرار می‌گیرد. اما به برکت این خون، این انسجام ایجاد شده است.

برکت پنجم (ایجاد الگویی برای مسئولین)

شهید رئیسی الگوی مسئولین و سیدالشهدای خدمت انقلاب و الگوی خستگی‌ناپذیران و مسئولین مخلص بود.

برکت ششم (شناخت و غربال دوست از دشمن)

اینکه بخاطر این غم و مصیبت چه کسانی تبریک و تسلیت گفتند، چه کسانی تعطیلی و عزای عمومی اعلام کردند؟ سوریه عزای عمومی اعلام کرد، عراق، یمن، لبنان، ترکیه، کوبا، تاجیکستان، پاکستان، هندو... عزای عمومی اعلام کردند. در واقع جمعیتی که برای آنان عزای عمومی اعلام شده است در ۶ کشور یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفر است. این جمعیت معادل ۲۳ درصد - یک چهارم - کل ساکنان جهان است!

و همچنین از این سانحه چه کسانی خوشحال شدند؟ اسرائیلی‌ها خوشحال شدند، براندازها خوشحال شدند، سلطنت‌طلب‌ها خوشحال شدند. اگر می‌خواستیم همین غربال را انجام بدهیم، کلی باید هزینه می‌کردیم، ولی این اتفاق باعث شد درونیات آنها مشخص شود. قرآن کریم زیبا فرمود: «وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ» دوست دارند شما در زحمت و بدبختی باشید. همین الان شادانوش، یعنی مشروب آورده، مشروب می‌خورند به شادی اینکه آقای رئیسی از دنیا رفته است. این‌ها همان‌هایی بودند که در ابتدای محرم مشروب خوردند به سلامتی یزید!

برکت هفتم (افزایش امید به مفتوح بودن باب شهادت)

آن‌هایی که دنبال شهادت می‌رفتند فهمیدند که شهادت تنها در خط مقدم مبارزه و جبهه نیست. آدم در هر جایی ممکن است به شهادت دست پیدا کند.

برکت هشتم (ظرفیت‌سازی برای تبیین معارف انقلاب)

این مجالس یادبود خودش ظرفیتی است برای بیان معارف انقلاب و اسلام. به برکت این شهدا، این فرصت ایجاد شد که عاشقانه بشینیم، گوش کنیم و وظایفمان را انجام دهیم.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

شادی روح همه شهدا بالاخص شهدای خدمت (آیت الله رئیسی، آل هاشم و دکتر امیرعبداللهیان و رحمتی و سرتیپ موسوی و کادر پرواز)

صلوات